

۲۰۰۸/۸۷

واکاوی

مبانی مسئولیت کیفری دولت

(در پرتو اسناد بین‌المللی)

تألیف:

دکتر سیار صادقی

دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه



مجمع علمی و فرهنگی

سرشناسه	: صادق، سالار،
عنوان و نام پدیدآور	: واکاوی مبانی مسئولیت کیفری دولت (در پرتو اسناد بین‌المللی)/تألیف سالار صادقی.
مشخصات نشر	: تهران: مجد، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۶۸۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: مسوولیت دولت (حقوق بین‌الملل)
موضوع	: (Government liability) (International law)
موضوع	: حقوق بین‌الملل
موضوع	: International law
رده بندی کنگره	: KZ۴۰۸۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۲/۰۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۶۳۹۵۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا	

هرگونه تکیه کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
مبارک خلیف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۸۱ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

فروشگاه: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲

www.majdpub.ir

E- mail: info@majdpub.ir

صفحه رسمی انتشارات مجد در اینستاگرام: [majdlaw](https://www.instagram.com/majdlaw)

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: [@majdlaw](https://www.t.me/majdlaw)

واکاوی مبانی مسئولیت کیفری دولت (در پرتو اسناد بین‌المللی)

تألیف:	دکتر سالار صادقی
ناشر:	انتشارات مجد
چاپ نخست:	مهر، ۱۴۰۰
تعداد:	۵۰۰ نسخه
شابک:	ISBN: 978 - 622- 225- 686- 9 ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۲۵ - ۶۸۶ - ۹

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

فهرست مطالب

.....	مقدمه	۹
.....	۱- کلیات	۲۱
.....	۱-۱- مفهوم شناسی مسئولیت و انواع آن	۲۱
.....	۱-۲- مفهوم شناسی دولت	۲۵
.....	۱-۳- درآمدی بر جرم دولتی	۳۶
.....	۱-۳-۱- تعریف جرم دولتی	۳۶
.....	۱-۳-۲- مفهوم جرم در جرایم دولتی	۴۲
.....	۱-۳-۳- مفهوم دولت در جرم دولتی	۵۱
.....	۱-۳-۵- انواع جرایم ارتكابی دولت ها	۵۱
.....	۱-۳-۵-۱- جرایم خشونت آمیز	۵۲
.....	۱-۳-۵-۲- جرایم غیر خشونت آمیز	۶۳
.....	۱-۳-۵-۳- جرایم مبتنی بر تقصیر	۷۰
.....	۱-۳-۵-۴- جرایم داخلی و بین المللی دولت	۷۷
.....	۱-۳-۶- ویژگی ها و اوصاف جرم دولتی	۸۰
.....	۱-۳-۶-۱- سیاسی بودن یا نبودن جرم دولتی	۸۰
.....	۱-۳-۶-۲- امنیتی بودن یا نبودن جرم دولتی	۸۲
.....	۱-۳-۶-۳- مرتكبان جرم دولتی	۸۴
.....	۱-۳-۶-۴- قوای سه گانه	۸۵
.....	۱-۳-۶-۵- قوه مجریه	۸۷
.....	۱-۳-۶-۶- قوه مقننه	۸۹
.....	۱-۳-۶-۷- قوه قضاییه	۹۶
.....	۱-۳-۶-۸- نیروهای مسلح	۱۰۳
.....	۱-۳-۶-۹- اشخاص حقیقی غیردولتی	۱۰۷
.....	۱-۳-۶-۱۰- سازمان های بین المللی	۱۰۹
.....	۱-۳-۶-۱۱- گروه های شبه نظامی	۱۱۰
.....	۱-۳-۶-۱۲- بزه دیدگان جرم دولتی	۱۱۳
.....	۴-۱- نگاهی بر مصونیت کیفری دولت و چالش های آن	۱۱۶
.....	۵-۱- عوامل موجهه جرایم دولتی و عوامل رافع مسئولیت کیفری دولت	۱۲۲
.....	۶-۱- رویکردهای نحوه انتساب جرم به دولت	۱۳۲

- ۱-۶-۱- رويكرد مسئوليت انحصارى اشخاص حقيقي..... ۱۳۲
- ۱-۲-۳-۱-۲- رويكرد مسئوليت انحصارى دولت..... ۱۳۶
- ۱-۲-۳-۱-۲- رويكرد مسئوليت جمعى دولت و اشخاص حقيقي..... ۱۳۷
- ۱-۷- ارکان تشكيل دهنده جرايم دولتى..... ۱۴۰
- ۱-۷-۱- عنصر قانونى..... ۱۴۰
- ۲-۷-۱- عنصر مادى..... ۱۴۲
- ۳-۷-۱- عنصر روانى..... ۱۴۳
- ۸-۱- مسئوليت كىفرى دولت در اسناد بين‌المللى..... ۱۴۴
- ۹-۱- ضمانت اجراهاى كىفرى براى دولت..... ۱۴۶
- ۱-۹-۱- ضمانت اجراهاى بين‌المللى در پرتو فصل هفتم منشور ملل متحد و چالش‌هاى آن..... ۱۴۷
- ۱-۱-۹-۱- ضمانت اجراهاى غيرنظامى..... ۱۴۹
- ۲-۱-۹-۱- ضمانت اجراهاى نظامى..... ۱۵۱
- ۲-۹-۱- ضمانت اجراهاى داخلى و منطقه اى..... ۱۵۶
- ۱۰-۱- اصل برائت و عبول از آن در جرايم دولتى..... ۱۶۰
- ۲- مبانى حقوقى - سياسى مسئوليت كىفرى دولت..... ۱۶۱
- ۱-۲- مبانى مسئوليت كىفرى ملى دولت (در جرايم داخلى)..... ۱۶۴
- ۱-۱-۲- منع نقض قرارداد اجتماعى..... ۱۶۶
- ۲-۱-۲- حفاظت از سرمايه اجتماعى و اعتماد عمومى..... ۱۷۶
- ۳-۱-۲- تقدم حاكميت ملت بر حاكميت دولت..... ۱۸۳
- ۴-۱-۲- گذار از حاكميت محورى به حكمرانى شبكه اى..... ۱۸۶
- ۲-۲- مبانى مسئوليت كىفرى بين‌المللى دولت (در جرايم بين‌المللى)..... ۱۸۹
- ۱-۲-۲- حفظ نظم عمومى بين‌المللى..... ۱۹۶
- ۱-۱-۲-۲- نظم عمومى بين‌المللى بر اساس عنصر امنيت بين‌المللى و امنيت بشرى..... ۱۹۸
- ۲-۱-۲-۲- نظم عمومى بين‌المللى بر اساس عنصر قواعد آمره..... ۲۰۶
- ۲-۲-۲- تقدم حاكميت جامعه بين‌الملل بر حاكميت دولت..... ۲۱۳
- ۳-۲- مبانى مشترك مسئوليت كىفرى ملى و بين‌المللى دولت..... ۲۱۷
- ۳-۲-۱- اصل تساوى در برابر قانون..... ۲۱۷
- ۳-۲-۲- تحقق عدالت كىفرى در پرتو نظريه بازگشت به كىفر..... ۲۲۴
- ۳-۲-۳- تحديد قدرت دولت..... ۲۳۷
- ۳-۲-۴- اصل مسئوليت حمايت..... ۲۵۶

مقدمه

دولت‌ها به عنوان تابعان و بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی، حافظان صلح و امنیت جوامع هستند که برای نگهبانی و دفاع از انسانها و تامین زندگی رضایت بخش تر برای آنان تشکیل شده اند. این سازمان رسمی قدرت است یا به تعبیر توماس هابز^۱ متفکر و فیلسوف انگلیسی همان «لویاتان» از قدیمی ترین ایام وجود داشته است و وظیفه اش این بوده که از تهدیدهای مستقیم داخلی یا خارجی نسبت به بقای جامعه، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خودمختار به عمل آورد. هابز بر این نکته تاکید دارد که اگر دولتی وجود نداشته باشد انسان به «وضع طبیعی» خود بازخواهد گشت که در آن هیچ کس امنیت ندارد و هرکس در معرض خطر تجاوز و تعرض دیگری است. از زمان تشکیل جوامع انسانی، مردم از بخشی از آزادی‌های خود صرف نظر کرده و آن را به اشخاص یا سازمانی واگذار کردند تا به نمایندگی از خود، عهده دار تامین نظم و امنیت در جامعه باشند و از آسیب‌ها و نابسامانی‌ها محافظت کرده و با حمله بیگانگان و اخلال‌گران در نظم مبارزه کنند. در واقع دولت برای نگهبانی و دفاع از انسان و تامین زندگی رضایت بخش تری ساخته شده است. انسان‌ها نیز معمولاً به این سازمان رسمی قدرت اعتماد کرده و تکالیفی در برابر آن پیدا می‌کنند و متقابلاً دولت‌ها هم تکالیفی در قبال شهروندان خود پیدا می‌کنند. رعایت این حق و تکلیف میان دولت‌ها و شهروندان، منجر به آرامش و امنیت در جامعه شده و موجب ایجاد روابط حسنه ای میان آنها می‌شود.

از زمانی که دوره دادگستری خصوصی و خانوادگی به پایان رسید، این وظیفه دولت‌ها بوده است که با برهم زندگان نظم و امنیت جامعه و بزهکاران برخورد کنند و آنها را به سزای اعمالشان برسانند. زیرا در هر جامعه ای اقتدار لازم است و لذا دولت‌ها با اقتدار به مقابله با این افراد می‌پردازند تا هرکسی نتواند به حقوق جامعه تجاوز کند. از طرفی در

1 - Thomas Hobbes

دعاوی کیفری جامعه و دولت ذی نفع است و وقتی جرمی رخ می‌دهد آنها هم متضرر می‌شوند. مردم هم به این گونه فکر می‌کنند که حاکمیت آنها را در برابر بزهکاران محافظت خواهد کرد. اگر این برخورد دولت صورت نگیرد، جامعه دچار هرج و مرج می‌شود. لذا اجرای مقررات و قوانین حقوق کیفری امروزه در تمام کشورها برعهده دولت هاست که قوه قضاییه به عنوان یکی از ارکان حاکمیت، این امر مهم را انجام می‌دهد.

اما مساله چالش بر انگیز این است که اگر خود دولت به عنوان واضح یا مجری مقررات حقوق کیفری و عهده دار نظم و امنیت جامعه-خودش مقررات حقوق کیفری را نقض کند و منجر به بی نظمی و ناامنی در جوامع شود تکلیف چیست؟ در این صورت دولت یا همان «لویاتانی» که قرار است انسان را از تنهایی، ترس و بیهودگی برهاند و از انسان و جامعه محافظت کند، خود به تهدید اصلی علیه انسان و جامعه تبدیل می‌گردد. دولت‌ها به عنوان اصلی ترین تابع حقوق بین‌الملل ملزم به حفظ حقوق شهروندان و حفظ امنیت در کشور خود و در سطح جهانی هستند و امروزه با پیشرفت روزافزون جوامع، اختیارات و تکالیف دولت‌ها هم دوچندان شده است. فلسفه وجودی دولت‌ها ایجاد نظم و امنیت در جامعه و تامین حقوق شهروندان است پس در مواقعی که خلاف این امر محقق شد، باید پاسخگو باشند.

به عنوان مثال اگر دولت مردم را در برابر بزهکاران محافظت نکند و به بزهکاران پناه دهد؛ یا اگر فقر و تبعیض بر مردم تحمیل کند یا با سوءاستفاده از قدرت، به سرکوب شهروندان پرداخته و حقوق و آزادی‌های مشروع آنان را سلب نماید و یا اموال مردم را غارت کند، در این صورت دولت را چه کسی باید به سزای اعمالش برساند و عدالت را اجرا کند؟ چنین سوءاستفاده‌ها و جرایمی که دولت‌ها انجام داده اند، پیشینه کهنی دارد و در طول تاریخ همواره حاکمان و حکومت‌های ظالم و مستبد از رم باستان گرفته تا جنگ جهانی دوم و حکومت شوروی سابق وجود داشته است که جان میلیون‌ها انسان را گرفته اند. اما حقوقدانان و جرم شناسان با تاخیر به این حوزه‌ها وارد شدند که علت مهم آن، محدودیت در نزدیک شدن به منابع قدرت و حاکمیت بوده است.

«اندرو وینسنت» نویسنده کتاب «نظریه‌های دولت» می‌گوید: «از بسیاری جهات دولت نه تنها سودمند بلکه خطرناک نیز هست، نه تنها دارای توانایی تامین حیات است بلکه از قوای هولناک ویرانگری نیز برخوردار است... لذا همه کسانی که دل نگران زندگی

اجتماعی در حال و آینده هستند می‌باید به صورتی نقادانه درباره دولت‌ها بیندیشند.^۱ بنابراین دولت در کنار مزایا و امتیازاتی که دارد و مانع هرج و مرج می‌شود، ممکن است خطراتی هم داشته باشد و این ناشی از قدرتی است که در اختیار دولت قرار گرفته است. لذا این قدرت باید حد و مرزی داشته باشد.

امروزه فساد، اعمال تبعیض، سوءاستفاده از قدرت، نقض حقوق افراد و آلودگی‌های زیست محیطی، آزمایشات اتمی و پزشکی بر روی انسان‌ها توسط برخی از دولت‌ها منجر به ناامنی‌های گسترده ای می‌گردد. چنین جرایمی بیشتر از جرایم سنتی و کلاسیک و خیابانی آثار و تبعات زیان باری دارند. جرایم سنتی چون قتل و سرقت و جعل آنچنان امنیت جامعه را برهم نمی‌زند که یک حادثه کشنده ناشی از تاسیسات اتمی که منجر به فلج شدن و مرگ میلیون‌ها نفر می‌شود. مواد سمی یا تراریخته ای که منجر به بیماری‌های کشنده میلیون‌ها انسان در درازمدت می‌شوند بسیار جدی تر و شدیدتر از جرایم خشونت آمیز خیابانی و کلسیمی است. در واقع چنین جرایمی، جرایم علیه امنیت شهروندان از سوی دولت هستند و مساله ای است که از آن غفلت می‌شود.

بدین ترتیب امروزه دیگر فقط از جرایم اشخاص حقیقی بحث نمی‌شود بلکه جرایمی مطرح می‌گردد که خود دولت‌ها مرتکب می‌شوند و این موجب پیدایش اصطلاح «**جرم دولتی**»^۲ در قلمرو مطالعاتی حقوق کیفری و جرم شناسی شده است. جرم دولتی به مجموعه آسیب‌ها و جرایمی گفته می‌شود که در نتیجه عملکرد نهادها و ساختارهای سیاسی یا اقتصادی به صورت عمدی یا غیرعمدی رخ می‌دهد.

لازم به ذکر است که عبارت دولت یا state دو معنای عام و خاص دارد. معنای عام دولت کلیه دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و هیات حاکمه کشور را دربرمی‌گیرد که در واقع همان یکی از عناصر سه گانه دولت در کنار جمعیت و سرزمین، یعنی حاکمیت است. اما دولت در معنی خاص به معنی قوه مجریه یا هیات دولت است که یکی از قوای سه گانه حکومت می‌باشد. لذا منظور از دولت در این نوشتار معنای عام آن یعنی کل حاکمیت و نهادهای سیاسی است و این واژه تمامی ساختارهای حاکمیتی و سیاسی و بالاترین نهادهای کشور را که اعمال قدرت می‌کنند شامل می‌شود.

مسئولیت کیفری به معنی الزام اشخاص به پاسخگویی در برابر اعمال مجرمانه خود است. هر مجرمی باید پاسخگوی رفتار خویش باشد که البته استثنائاتی مانند عوامل رافع

۱- وینست، اندرو (۱۳۹۱) نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ هشتم، نشر نی، ص ۳۲۱-۳۲۲.

2 - State crime

مسئولیت کیفری در این خصوص وجود دارد. اصولاً مسئولیت کیفری به دنبال وقوع جرم مطرح می‌گردد و لذا باید دید که دولت‌ها چه جرایمی را و چگونه مرتکب می‌شوند. بنابراین هر شخص چه حقیقی و چه حقوقی مرتکب جرمی شد باید مسئول اعمال خود باشند لکن دولت‌ها چون بالاترین قدرت هستند که حق حاکمیت و مجازات دیگران را دارند، خودشان مسئولیت کیفری خود را به رسمیت نمی‌شناسند و خودشان را مجازات نمی‌کنند؛ لذا مصونیت دارند. البته دولت‌ها وقتی اعمال مجرمانه انجام می‌دهند واقعاً مجرم هستند اما قوانین و اسناد آنها را مجرم نمی‌شناسند و در نتیجه، از لحاظ حقوقی مجرم شناخته نمی‌شوند. از طرفی دیگر، انتساب مسئولیت کیفری به دولت نیز مساله چندان آسانی نیست و اثبات عنصر روانی جرایم دولت‌ها کار دشواری است. بدیهی است دولت به خودی خود مرتکب جرم نمی‌شود و این نمایندگان رسمی و دولتمردان هستند که مرتکب جرم می‌شوند. دو نظریه خطا (مسئولیت ذهنی) و خطر (مسئولیت عینی) در این خصوص ذکر شده است. بر این اساس، با اینکه جرایم دولتی توسط اشخاص حقیقی رخ می‌دهد اما این جرم مسئولیت کیفری دولت را به دنبال خواهد داشت و این جرایم می‌توانند با سوءنیت و به طور عمدی یا در اثر بی احتیاطی و به صورت غیرعمدی رخ دهند.

بدین ترتیب دولت‌ها به جرایم ارتكابی خود رسیدگی نمی‌کنند و یا عادلانه و بی طرف رسیدگی نمی‌کنند چون خودشان در جرایم خودشان قاضی بوده و قاضی نمی‌تواند به دعوی خود رسیدگی کند. در واقع قاضی و مجرم در چنین جرایمی یک نهاد است که آن هم دولت است. پس چگونه ممکن است قاضی به جرم خودش رسیدگی کند؟ باید قدرتی وجود داشته باشد که در برابر سوءاستفاده از قدرت ایستادگی کند. حتی ممکن است دولت‌ها پس از مرتکب شدن جرایم دولتی سعی در محو آثار و دلایل جرم کنند. بسیاری از جرایم دولتی می‌توانند توسط دست‌های پشت پرده انجام گیرند و مسئولان و مسببان واقعی این جرایم شناسایی نشوند و از مسئولیت بگریزند. با عنایت به این مطالب، باید یک نهاد فرادولتی و بین‌المللی وجود داشته باشد که در صورت وقوع جرم از سوی دولت‌ها، بتواند عدالت را اجرا کند و دولت‌ها را به سزای اعمالشان برساند. چگونگی مجازات دولت هم بحثی است که به سادگی نمی‌توان از آن گذشت. اگر مسئولیت کیفری دولت به عنوان یکی از اشخاص حقوقی حقوق عمومی را بپذیریم، این سوال مطرح است که دولت باید چگونه مجازات شود؟ بدیهی است دولت خودش را مجازات نمی‌کند و باید به دنبال راهکارهای دیگری بود. به عنوان مثال اگر قوه قضاییه یک کشور به وظایف خود عمل نکند یا به خطا عمل کند ضمانت اجرایی برای این قوه (به غیر از ضمانت اجرا برای

قضات) در نظر گرفته نشده است. بدین ترتیب موضوعی که در این کتاب قرار است بررسی شود، مبانی حقوقی و سیاسی مسئولیت کیفری دولت است که از مهم ترین این مبانی می توان به نقض قرارداد اجتماعی، اصل تساوی در برابر قانون، حفاظت از اعتماد عمومی، ایجاد نظم بین المللی، اجرای عدالت و تحدید قدرت دولت اشاره نمود. البته این مبانی را حسب مورد به طور جداگانه در دو سطح داخلی و بین المللی بحث خواهیم کرد زیرا منطق جرم انگاری در حقوق داخلی و بین الملل تفاوت هایی دارد.

پیش از جنگ جهانی دوم بحث از مسئولیت دولت ها آنچنان مطرح نبود ولی در زمان وقوع این جنگ و جنایاتی که دولت ها در آن مرتکب شدند، این بحث در محافل علمی مطرح گردید. در جریان محاکمات نورنبرگ برخی حقوقدانان بر مسئولیت دولت های جنایتکار جدا از مسئولیت تک تک اشخاص حقیقی تاکید کردند اما دادگاه نورنبرگ این مسئولیت را قبول نکرد. حقوقدانان اذعان نمودند به منظور پیشگیری از تجاوز در آینده باید ضمانت اجرای کیفری هم در کنار جبران خسارت برای دولت ها لحاظ گردد. البته در مورد مسئولیت مدنی دولت ها بحثی نیست و حقوقدانان و قوانین داخلی و بین المللی هم آن را پذیرفته اند. اما در مورد مسئولیت کیفری دولت ها خلا جدی وجود دارد و این خلا در خلال جنگ سرد رفته رفته بیشتر احساس گردید. زیرا قدرتی مافوق دولت ها وجود ندارد تا قوانینی الزام آور برای دولت ها وضع کند و آنها را محکوم کند. اسناد بین المللی مانند کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مریدا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته اند اما به مسئولیت دولت ها اشاره نکرده اند. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد تلاشی جهت به رسمیت شناختن جنایت دولت نمود اما نهایتاً پذیرفته نشد. می توان گفت با توجه به اینکه امروزه حقوقدانان و قانونگذاران اکثر کشورها مسئولیت اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته است می توان از مسئولیت کیفری دولت - که شخص حقوقی است - نیز سخن گفت و مبانی آن را جستجو کرد. نکته مهم این است که دولت ها چندان مایل به پذیرش این مساله نیستند و لذا این امر ممکن است منجر به بی کیفرمانی جرایم ارتكابی دولت ها باشد. دیوان بین المللی کیفری هم صرفاً مسئولیت اشخاص حقیقی دولت را به رسمیت شناخته است و نمی تواند خود دولت را محکوم به مجازات کند. اما صرف محاکمه و مجازات دولتمردان چندان نمی تواند با بی کیفرمانی جرایم دولت ها مقابله کند و علی رغم تشکیل این دیوان، امروزه شاهد جرایم بی شماری توسط برخی دولت ها در گوشه و کنار جهان هستیم چرا که این دیوان در مورد محاکمه و مجازات اشخاص حقیقی نیز به موفقیت زیادی دست نیافته است چه رسد به محاکمه و مجازات دولت ها.